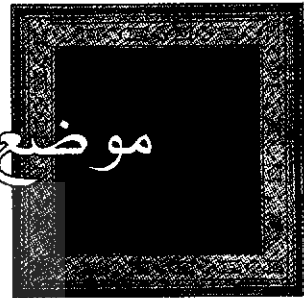


موضع قرآن و پیامبر (ص) درباره شعر و شاعران

دکتر عنایت الله فاتحی نژاد



چکیده:

با ظهور اسلام، شعر عربی به مرحله جدیدی گام نهاد. شاعران که در عصر جاهلی در خدمت آرمان های قبایل خود بودند با آغاز دوره رسالت پیامبر (ص)، به دو گروه یعنی شاعران مومن و مشرک تقسیم شدند. گروهی از قبیل حسان بن ثابت و عبدالله بن رواحه به خدمت اسلام درآمدند و با الهام از آیات وحی و تعلیم پیامبر اسلام (ص) تمام هنر شاعری خود را در راه اعتلای آرمان های اسلامی به کار بستند. رسول اکرم (ص) این شاعران را که تاثیر قرآن و اسلام در اشعارشان به وضوح نمایان است با آغوش باز پذیرفت و آنان را تشویق و ترغیب کرد تا با سرودن اشعاری در مدح و ستایش اسلام و مسلمانان و هجو دشمنان به میدان جهاد فرهنگی پای نهند و با شاعرانی از قبیل ابن زبیری که به صف مشرکان پیوسته بودند و با اشعار شرک آمیز، قصد متزلزل ساختن اهداف و آرمان های اسلامی داشتند به مبارزه برخیزند.

کلید واژه: اسلام، قرآن، پیامبر اسلام، ادبیات عرب، حسان بن ثابت، ابن زبیری، مضامین اسلامی، کعب بن زهیر، فتوحات، مشرکان، مسلمانان.

از دیر باز شعر در میان عرب ها از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و شاعران در میان قبایل عرب جایگاه والایی داشته اند و در واقع می توان گفت هر شاعر، سخنگوی قبیله خود به شمار می رفته است. به هنگام بروز جنگ ها و کشمکش های قبیله ای شاعران با سرودن اشعار حماسی، جنگجویان را به دفاع از قبیله، تحریک و ترغیب می نمودند و چون پیروز می شدند در وصف شجاعت ها و رشادت های آنان اشعاری می سرودند و در مقابل به هجو دشمنان می پرداختند. اشعار و قصاید انبوهی که از شاعران جاهلی در منابع کهن ثبت شده خود دلیل بر اهمیت شعر و شاعری در عصر جاهلی است.

در صدر اسلام نیز به اشعار و قصاید فراوانی برمی خوریم که به مناسبت های مختلف از جمله ظهور اسلام، دعوت پیامبر (ص)، سرسختی مشرکان در برابر دین جدید، جنگ های مسلمانان با مشرکان و فتوحات اسلامی سروده شده اند (به عنوان مثال رک: ابن هشام، ۲۷۸۲-۲۷۹۰، ۲۹۰-۲۹۱، ۳۹۳، ۴۰، ۱۷۶). این مقدار انبوه از شعر، بیانگر آن است که شعر در صدر اسلام همچنان جایگاه و پایگاه خود را حفظ کرده است. با این حال برخی از قدما مانند ابن سلام (ص ۲۲) و ابن خلدون (۵۸۷۱) و نیز گروهی از محققان معاصر (رک: جبوری، ۴۶-۴۷؛ فیصل، ۱۸۱-۱۹۰) برآنند که با ظهور اسلام، عرب ها سرگرم دین جدید و فتوحات اسلامی شدند و از شعر روی بر تافتند. از این رو شعر در صدر اسلام دچار رکود شد. به ویژه که قرآن نیز در سوره الشعراء (۲۲۴-۲۲۷) شاعران را مورد نکوهش قرار داده بود. در مقابل، گروهی از محققان معتقدند که جنگ های میان مسلمانان و مشرکان و یا فتوحات اسلامی باعث شد تا گروهی از جنگجویان مسلمان به هنگام رویارویی با دشمنان، احساسات خود را در قالب شعر بیان نمایند و آثار شعری بسیاری خلق کنند و بنا بر این جنگ ها و فتوحات در صدر اسلام نه تنها باعث ضعف و یا رکود شعر نشد که خود باعث پیدایش نوعی رقابت در میان شاعران و در نهایت سبب شکوفایی شعر گردید (رک: ضیف، عصر اسلامی، ۴۲-۴۳). برخی از معاصران از جمله هامیلتون گیب (ص ۴۵) برآنند که شخص پیامبر (ص) موضعی خصمانه نسبت به شعر و شاعری داشته است و پس از وی جامعه اسلامی و حکمای الهی نیز تا مدت ها این موضع را حفظ کردند. اما لازم به توضیح است که برخلاف این گفته، پیامبر اسلام (ص)

نه تنها با سرودن شعر هیچ گونه مخالفتی نداشته بلکه در روایات بسیاری آمده است که آن حضرت در برخی غزوات برای تشویق جنگجویان، ابیاتی را زمزمه می کرده اند. در مغازی واقدی (ص ۴۴۹) از قول ابوسعید خدری نقل شده است که قبل از جنگ خندق، پیامبر (ص) در حفر خندق با دیگر مسلمانان مشارکت داشت و چون خاک بر سر و روی مبارکش پاشیده می شد این ابیات را زمزمه می فرمود: «اللهم لولا انت ما اهتدینا - ولا تصدقنا ولا صلینا». بنابراین شخص پیامبر با سرودن شعر هیچ گونه مخالفتی نداشته اند. به علاوه چنان که خواهیم دید شاعران بزرگی چون حسان بن ثابت نزد پیامبر از مقام و منزلت والایی برخوردار بوده اند. اما اینکه برخی به استناد آیه شریفه (الشعراء یتبعهم الغاؤون ... (بر آنند که قرآن با شعر و شاعران به مخالفت برخاسته، سخنی ناسنجیده است. زیرا در قرآن کریم به جز سوره الشعراء، در ۵ آیه دیگر کلمه "شعر" و "شاعر" آمده است: (الانبیاء، ۵؛ یس، ۶۹؛ الصافات، ۳۶-۳۷؛ الطور، ۲۹-۳۱؛ الحاقه، ۳۸-۴۱) و در هیچ یک از این آیات درباره شعر و یا شاعران، نظری مثبت یا منفی ارائه نشده است. بلکه در همه این آیات تاکید بر این است که پیامبر شاعر نیست و آنچه بر زبان وی جاری می شود سخن خداوند است و وحی الهی نه سخن یک انسان در قالب شعرانه لقول رسول کریم و ماهو بقول شاعر (الحاقه، ۴۰-۴۱). چون پیامبر (ص) آیات قرآن را بر مردم می خواند گروهی از مشرکان که نمی توانستند این نوع سخن گفتن جدید را در هیچ یک از سبک های شعر و خطابه جای دهند آن را "الشعر" می خواندند و پیامبر را شاعر. از این رو این آیات در رد گفته های مشرکان نازل شده و درباره شعر و یا شاعران نظری مثبت یا منفی ارائه نشده است. اما در سوره الشعراء که خداوند شاعران و پیروان ایشان را گمراهان خوانده است مراد، شاعران مشرکند و خداوند در این سوره شاعران را همچون دیگر مردم به دو گروه مشرک و مومن تقسیم کرده است و شاعران مومن را مستثنی کرده است الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات (الشعراء، ۲۲۷) از این رو پیامبر اسلام (ص) شاعرانی را که ایمان آورده اند همچون حسان بن ثابت و کعب بن زهیر با آغوش باز می پذیرد و آنان را تشویق و ترغیب می کند تا از هنر شاعری خود همچون سلاحی علیه دشمنان استفاده کنند. چنان که در باره حسان می فرماید: اهجهم فوالله لهجاءک علیهم اشد من وقع السهام فی غلس الظلام: "دشمنان را هجو کن که به خدا سوگند ابیات

هجوآمیز تو برای دشمنان سهمگین تر از فرود آمدن نیزه هاست در تاریکی شب* (ابن رشیق، ۱۲۸) و در جایی دیگر می فرماید: اهجهم و روح القدس معک: دشمنان را هجو کن که روح القدس با توست* (ابن قتیبه، ۱۵۶/۱؛ بلاشر، 353-356/III؛ هارت، 42؛ ویت، 42-41) و از سوی دیگر با شاعرانی که با سروده های خود به مخالفت با اسلام برخاسته اند همچون کعب بن اشرف و نضر بن حارث به شدت مبارزه می کند و گاه مجازات های سنگین برایشان در نظر می گیرد (نک: ابن هشام، ۱۲/۳-۱۶؛ واقدی، ۱۸۴/۱-۱۸۶؛ ضیف، عصر اسلامی، ۵۰). البته در خور ذکر است که آنچه از شعر صدر اسلام به دست ما رسیده گرچه ممکن است از لحاظ حجم با اشعار عصر جاهلی برابری کند، از لحاظ استواری و جنبه های زیبا شناختی به شعر جاهلی نمی رسد.

در صدر اسلام به جز حسان بن ثابت و کعب بن زهیر که هر دو استعداد شاعریشان پیش از ظهور اسلام شکوفا شده بود، به شاعر مشهور دیگری که ویژگی خاصی داشته باشد، بر نمی خوریم.

از نخستین شاعرانی که در مدح پیامبر (ص) اشعاری سروده اند اعشی قیس یا اعشی میمون که برخی او را از اصحاب معلقات دانسته اند (خطیب تبریزی، ۳۲۸-۳۴۸)، امیه بن ابی الصلت و ابوعزه را می توان نام برد. به روایت ابن اسحاق (سیره، ۳۷۵-۳۷۹) چون اعشی - که منابع او را نصرانی دانسته اند - در اواخر عمر، آوازه پیامبر (ص) و آیین جدید را شنید رو به مدینه نهاد و قصیده ای در مدح آن حضرت سرود. اما پیش از آنکه به حضور پیامبر (ص) رسد، در گذشت (رک: ابن هشام، ۳۷/۲-۳۹؛ ابن قتیبه، ۲۵۷/۱؛ نیکلسون، 124). ۲۵ بیت از این قصیده در منابع ثبت شده است که البته برخی از محققان معاصر در صحت آن تردید کرده اند (بلاشر، 322-325/III؛ طه حسین، ۲۴۱/۱-۲۴۲؛ ضیف، عصر جاهلی، ۳۴۱-۳۴۲). از دیگر شاعران این دوره که در مدح اسلام و پیامبر اشعاری سروده اند امیه بن ابی الصلت (بلاشر، ۳۰۵/۲-۳۰۴) و ابوعزه (ابن هشام، ۶۶۰/۲) و برخی از نزدیکان پیامبر از قبیل ابوطالب، حمزه، ابوبکر، علی بن ابی طالب را می توان نام برد (رک: ابن هشام، ۳۰۲/۱، ۳۰۵-۳۱۱، ۲۳۵/۲-۲۳۶، ۲۳۸-۲۳۹، ۲۹۳، ۳۵۸-۳۵۹، ۳۶۰، ۱۴۹/۳-۱۵۰؛ نیز رک: بلاشر 307-308/III). علاوه بر اینها از عبدالله بن حارث، عباس بن مرداس (ابن قتیبه، ۳۰۰/۱؛ ابن هشام ۳۵۷/۱-۳۵۹، ۸۴۴-۸۵-۹۴، ۹۵ و جم) و عدی بن ابی زغباء که گفته اند مورد ستایش پیامبر (ص)

بوده (واقدی، ۸۷۱-۸۲) اشعار و قصایدی در مدح اسلام و مسلمانان باقی مانده است. همزمان با استقرار پیامبر (ص) در مدینه و بالا گرفتن دامنه مخالفت ها و کشمکش ها میان مسلمانان و مشرکان، بازار شعر و شاعری، رونق بیشتری یافت و شاعران بسیاری از میان هر دو گروه سر برآوردند. کسانی چون ابن زبیری و ضرار بن خطاب به امید بهره مندی از پاداش مخالفان پیامبر (ص) به هجو مسلمانان پرداختند (ابن هشام، ۹۶/۲). از سوی دیگر شاعرانی چون حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه در مدینه به صف مسلمانان پیوسته و با سرودن اشعاری در مدح پیامبر (ص) و هجو مشرکان به دفاع از اسلام برخاستند (بلاشر، 313-311/III؛ دایرة المعارف ادبیات عرب، 275). پیامبر (ص) آنان را سخت گرامی داشت و ایشان را تشویق فراوان کرد تا با سرودن اشعار خود که به روایتی (رک: ابن رشیق، ۱۲/۱) هر بیتش را برتر از ضربات شمشیر مجاهدان در میدان جنگ می دانست، به یاری اسلام برخیزند. در میان این گروه، حسان بن ثابت که نیمی از عمر خود را در جاهلیت سپری کرده بود و در نخستین سال هجرت به اسلام گروید، از شهرت بیشتری برخوردار است (ابن قتیبیه، ۳۰۵/۱؛ بلاشر، 314-311/III). از آن پس تبادل اشعار هجوآمیز میان مسلمانان و مشرکان ادامه یافت و به خصوص در جنگ های بدر، احد و خندق، شدت بیشتری یافت (رک: واقدی، ۱۱۹۱-۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳-۱۲۴؛ ابن هشام، ۲۰۳/۳-۲۱۸). چون شاعری از یک طرف در مدح و ستایش جنگاوران خود و هجو سپاه مقابل قصیده ای می سرود، از آن سوی شاعری دیگر با سروده ای (معمولاً با همان وزن و قافیه) او را پاسخ می گفت (مثلاً رک: ابن هشام، ۹۷-۹۸، ۲۳۵-۲۴۰). از میان شاعران قریش به جز کعب بن زهیر که با قصیده بانث سعادت شهرت فراوانی در ادبیات عرب به دست آورده، شاید هیچ کس شهرتش به ابن زبیری نرسد. وی از همان آغاز دعوت پیامبر (ص) به سختی با آن حضرت به ستیزه جویی برخاست، چنان که آیات بسیاری (از جمله آیه های ۱۰۱، ۱۰۲ از سوره الانبیاء، ۵۷، ۵۸؛ از سوره الزخرف و آیه ۲۶ از سوره الانعام) در باره وی نازل شد (ابن عباس، ۴۱۵؛ ابن هشام، ۱۳۲-۱۴؛ قرطبی، ۴۰۵/۶-۴۰۶؛ ابن حجه، ۱۸۸). ابن زبیری و کعب بن زهیر که هر دو روزگاری دراز به ستیزه جویی با پیامبر (ص) پرداختند هر دو سرنوشتی مشابه دارند. سرانجام پس از آوارگی و در به دری بسیار، پس از فتح مکه (۸ق) با تقدیم مدایح به

پیامبر (ص) اظهار پیشیمانی و طلب بخشش کردند و سرانجام مورد عفو آن حضرت قرار گرفتن (ابن سلام، ۸۳-۸۴؛ ابن قتیبه، ۱۵۵/۱-۱۵۶؛ واقدی، ۸۴۷/۲، ۸۴۸). چنان که معروف است کعب بن زهیر با اشعاری که در هجو اسلام سروده بود از سوی پیامبر مهدور الدم شد. وی مدتی را به آوارگی در میان قبایل گذراند و سرانجام به طور ناشناس بر پیامبر (ص) وارد شد و چون قصیده معروف «بانت سعاد» را با این مطلع: «بانت سعاد و قلبی الیوم متبول - متیم اثرها لم یفد مکیول (ترجمه: سعاد رفت و امروز دلم دیوانه عشق اوست و در دام او اسیر. اسیری که کسی او را به فدیة آزاد نکرده است)» را بر پیامبر (ص) خواند. حضرت، برده مبارکش را بر دوش او انداخت و او را مورد بخشش قرار داد. از همین رو این قصیده که به قصیده برده نیز معروف است در تاریخ ادبیات عرب شهرت فراوانی کسب کرده است.

اشعار این شاعران از لحاظ سبک و ساختار، تفاوتی با اشعار جاهلی ندارد و هر قصیده با تغزل و وصف معشوق آغاز می شود. شاعران با تقلید از شیوه پیشینیان و براساس یک الگوی کلیشه ای یعنی وصف آثار باقی مانده از معشوق سفر کرده (= اطلال و دمن) و وصف معشوق یا شراب (= نسیب) و فراق و جدایی، سپس اظهار شکوا و گلایه و سرانجام پرداختن به موضوع اصلی قصیده یعنی مدح یا هجایارثا، به سرودن شعر می پرداختند (رک: تاریخ ادبیات... کمبریج، ۳۶۹). چنان که قصیده معروف کعب بن زهیر «بانت سعاد» با ذکر معشوق (۶۰-۶۲؛ نیز رک: ابن هشام، ۱۴۶/۴-۱۵۳؛ ابن قتیبه، ۱۵۴-۱۵۵) و قصیده حسان بن ثابت در فتح مکه با وصف شراب (دیوان، ۳-۴؛ نیز رک: ابن هشام، ۶۲/۴-۶۵) آغاز می شود: «کان خبیبة من بیت رأس - یکون مزاجها عسل و ماء ... طعام دهان معشوق به طعام شراب بیت الرأس ماند که با آب و عسل در آمیخته باشند یا طعام سببی که کاملا رسیده و یا وقت چیدنش باشد. شراب از همه نوشیدنی ها گوارتر و برتر است و هیچ نوشیدنی به پای آن نمی رسد». شاعر در ابیاتی دیگر می گوید: «ولقد شربت الخمر من حانوتها - صهباء صافیة کطعم الفلفل ... در میخانه شرابی سرخ و زلال با طعمی چون طعم فلفل سرکشیدم و آن ساقی گوشواره به گوش پی درپی با ساغرش به سراغم آمد و مرا سیر نوشاند. وی درباره سریان مستی در وجود انسان چنین می گوید: «و تدب فی الجسم دببیا کما - دب دبی وسط رقاق

هیام در تن می خزد همچون مورچه ای که آرام بر روی خاک نرم راه می رود. با استناد به این ابیات، در دوره اسلامی توجه به زن در شعر و یا حتی وصف شراب که البته برای مخاطبان موضوعی دلنشین بود و به گفته ابن قتیبه (ص ۷۵) آنان را آماده می کرد تا به موضوع اصلی قصیده گوش فرا دهند در شعر منع نشد. تنها محدودیتی که برای شاعران پیش آمد این بود که آنان حق نداشتند به وصف کشش های جسمانی معشوق و شرح ماجراهای عاشقانه گناه آلود آن گونه که در اشعار امرؤالقیس و دیگر شاعران جاهلی به چشم می خورد، بپردازند و از این رو مقدمه تغزلی قصاید این دوره در مقایسه با دوره جاهلی مختصرتر است و معمولاً از ۳ یا ۴ بیت تجاوز نمی کند (رک: حسان، ۱۱، ۱۴-۱۵). جالب اینکه حسان در مرثیه هایی که برای پیامبر (ص) سروده گاه به جای وصف اطلال به وصف منبر و محراب و آثار باقی مانده از آن حضرت پرداخته است (ص ۸۹-۹۰). گویی شاعر در این قصاید بر آن بوده تا قالب و سبک معهود شعر عرب را دگرگون کند و در تغزل و تجلیل از معشوق، طرحی نو در اندازد.

از جمله تأثیراتی که اسلام بر شعر گذاشت این بود که شاعران با اینکه نتوانستند رابطه خود را با شعر کهن قطع کنند، با استفاده از همان قالب های کهن به جای مفاهیم و مضامین جاهلی با تشبیهات پی در پی و تصاویر مبالغه آمیز به ستایش آرمان های جدید و مفاهیم و مضامینی که رنگ و بوی اسلامی داشت، پرداختند. چنان که کعب بن زهیر چون دریافته بود که اسلام بر وفای به عهد تاکید فراوان دارد و عهد شکنی را سخت نکوهش می کند، همین که در باره خلف و عده معشوق سخن می گوید، موضوع را اندکی بیشتر بسط و گسترش می دهد تا تاثیر کلام خود را در میان مسلمانان استحکام بخشد (ص ۲۹). همچنین مضامینی از قبیل دعوت به اسلام و جهاد در راه خدا، مبارزه با دشمنان دین و مدح پیامبر (ص) و یاران آن حضرت و ستایش جنگاوران و قهرمانان و وصف جنگ ها و ابزار و آلات جنگی و نیز کلماتی از قبیل قرآن، نبی، نبوت، رسول الله، وحی، امین الله، الرحمن، کفر، مؤمنین، مشرکین، قیامت، نافله القرآن، مسجد (رک: حسان، ۶، ۸، ۱۳، ۱۵، ۷۸، ۸۸، ۷۹، ۹۵؛ کعب بن زهیر، ۳۷-۳۸؛ لیبید، ۴۴، ۱۲۶) و نیز تضمین اجزاء برخی آیات (رک: حسان، ۷۹؛ لیبید، ۱۱۹؛ بیت ۵) دراجی، ۶۶) و یا اقتباس صور و معانی قرآنی که در اشعار شاعران این دوره

فراوان به کار رفته (نیز رک: همو، ۶۶، ۱۰۳-۱۰۸) نخستین نشانه های تاثیر اسلام در شعر عرب است.

البته در این دوره علاوه بر شاعرانی که قلبا ایمان آورده و به صف مجاهدان اسلام پیوستند گروهی نیز گرچه به ظاهر مسلمان شده بودند، هنوز کاملا از سنت های جاهلی دست نکشیده و نمی توانستند خود را با شرایط جدید سازگار کنند. برخی عادات جاهلیان از قبیل شرابخواری و غزل سرایی به شیوه جاهلی که البته پیامبر اسلام (ص) آنها را ممنوع ساخته بود با رگ و خون آنان پیوند داشت. از میان این شاعران، ابو محجن ثقفی را می توان نام برد که در غزوه طائف (سال ۸ق) از جنگاوران دشمن بود (رک: واقدی، ۹۲۶/۲، ۹۳۰؛ طبری، ۸۹/۳) و با اینکه در ۹ق به همراه قبیله خود نزد پیامبر (ص) آمد و مسلمان شد (ابن اثیر، ۲۹۰/۵) هرگز نتوانست از باده نوشی و وصف خمر و غزلسرایی دست بدارد (رک: ابو تمام، ۱۹۲؛ طبری، ۵۴۹/۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۹/۲۱، ۸، ۱۱، ۱۲) و بارها بدین سبب طعم تلخ تازیانه و تبعید را چشید (ابن سلام، ۱۰۳؛ قدامة بن جعفر، ۳۵۹؛ ابن قتیبه، ۳۳۶/۱-۳۳۷؛ بلاذری، فتوح، ۲۵۸). قطعاتی نیز که از اشعار وی برجای مانده، بیشتر به غزل و وصف باده اختصاص دارد و تقریبا از مضامین اسلامی تهی است (رک: بلاشر، 279/III؛ شیخو، ۲۴۱-۲۴۴). گروهی دیگر از شاعران این دوره که از عاقبت شراب خواری و غزل سرایی به خوبی آگاه بودند، از ترس تازیانه و مجازات های سنگین به ناچار شهرهای مکه و مدینه را رها کرده به صحراهای امن پناه بردند و گروه اندکی که باقی ماندند شیوه جدیدی در تغزل پیش گرفتند و آن غزل سرایی با کنایه و رمز بود که در واقع نوعی ابداع و تحول به شمار می رود. اینان به جای نام معشوق نام درخت یا حیوانی را در اشعارشان می آوردند و نسبت به آن غزلسرایی می کردند. از میان این شاعران، حمید بن ثور هلالی را می توان نام برد که از شاعران مخضرم جاهلی و اسلامی است و در غزوه حنین در صف مشرکان بود و پس از آن اسلام آورد (ابن قتیبه، ۳۹۰/۱-۳۹۴). بنا به روایتی که در اغانی (ابوالفرج، ۳۵۶/۴-۳۵۷) آمده است عمرین خطاب شاعران را از غزلسرایی منع کرد و دستور داد هر کس را که غزل بسراید تازیانه زنند و بدین سان شاعران از تغزل روی برتافتند. حمید بن ثور در ابیاتی (همانجا) به وصف درختی که سمبل معشوق است، می پردازد و نسبت به آن اظهار

عشق می کند. این درخت چون معشوق در حسن و جمال بی همتاست. قامتش بلند، بوی خوشش روح افزا و سایه اش پناهگاه تشنگان و خسته دلان است (فیصل، ۲۰۰-۲۰۱). شاعر در ابیاتی دیگر حدیث عشق را از زبان کیبوتری یاد می کند که آوازش چنان دلنشین است که چون پیری فرتوت آن را بشنود جوانیش را به یاد آورد و ناله و شیون سر دهد (همو، ۲۰۴-۲۰۸). حمید برای بیان احساسات و عواطف عاشقانه، علاوه بر استفاده از رمز و کنایه به قصه پردازی نیز روی می آورد و احساسات خود را در قالب داستان های تخیلی و از قول دیگران بیان می کند که بعدها این شیوه به دست عمر بن ابی ربیع شاعر غزلسرای عصر اموی به اوج خود می رسد.

چون به عهد خلفای راشدین می رسیم حجم بسیاری از اشعار شاعران به موضوع فتوحات، اختصاص می یابد. فتح ایران و مصر و شام همان گونه که جنگجویان مسلمان را سرمست و هیجان زده می کرد در میان شاعران نیز که اغلب خود از جنگجویان بودند، شور و هیجانی خاص بر می انگیزد تا فریاد جنگجویی و پیروزی را در قالب اشعار حماسی سر دهند. جنگ قادسیه و نهاوند که به پیروزی عرب ها بر ایرانیان انجامید در اشعار شاعرانی چون ابو محجن ثقفی، اسود بن قطیبه، عروة بن زید، عبدة بن طیب (ضبی ۱۳۴-۱۴۹؛ ابن قتیبه، ۴۲۳/۱ و ۷۲۷/۲-۷۲۸) و عمرو بن معدی کرب انعکاس یافته است (ابن قتیبه، ۳۷۳/۱-۳۷۴؛ ضیف، عصر اسلامی، ۶۲-۶۴).

در دوره خلفای راشدین اندک اندک تأثیر قرآن در اشعار شاعران نمود بیشتری می یابد. کلمات، ترکیب ها و معانی به برکت قرآن عمیق تر می شود و شاعران با الهام از آیات قرآن مضامینی جدید خلق می کنند. سفارش به تقوا، نیکی به پدر و مادر، عمل صالح و نکوهش غیبت که در اشعار لبید و دیگر شاعران این دوره دیده می شود همه مضامین جدیدی هستند که شاعران از آیات قرآن وام گرفته اند (رک: لبید، ۹۲؛ ضیف، همان، ۹۴؛ بلاشر، 276/II). همچنین تضمین آیات قرآن از قبیل اذا زلزلت الارض زلزالها (الزلزال، ۱) اعتصموا بحبل الله (آل عمران، ۱۰۳) در اشعار حسان بن ثابت، عبدة بن طیب (طیب)، سوید بن ابی کاهل یشکری و حصین بن الحمام، که البته برخی از ایشان از شهرتی چندانی برخوردار نیستند، فراوان به چشم می خورد (حسان، ۸۰؛ ضیف، همان، ۷۰-۷۱؛ ضبی، ۱۴۶، ابیات ۷ و ۸). علاوه بر این، حوادث مهم این دوره بخصوص ماجرای کشته شدن عثمان

(ابن مزاحم، ۷۹-۸۰، ۸۳-۸۴) اختلافات میان علی (ع) و معاویه (همو، ۱۳۹)، جنگ های صفین (همو، ۱۹۳-۱۹۵، ۳۵۷، ۳۰۷-۳۵۹ و جم) خندق و جمل در اشعار شاعرانی چون ایمن بن خریم، کعب بن جعیل، نابغه جعدی به خوبی انعکاس یافته است (ابن مزاحم، ۱۳-۱۴، ۵۶-۵۷؛ ضیف، همان، ۱۰۱، ۱۰۴).



● منابع

علاوه بر قرآن کریم:

- ۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م.
- ۲- ابن اسحاق، محمد، السیر و المغازی، قونیه، ۱۹۸۱م.
- ۳- ابن حجره، علی، ثمرات الوراق، به کوشش مفید محمد قمیحه، بیروت ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- ۴- ابن خلدون، عبدالرحمن، المقدمه، بیروت، ۱۹۸۴م.
- ۵- ابن داوود، ابوبکر، کتاب الزهره شیکاگو، ۱۹۳۲م.
- ۶- ابن رشیق، العمده فی محاسن الشعر و آدابه و نغده، به کوشش محیی الدین عبدالحمید، بیروت، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۷م.
- ۷- ابن سلام، محمد، طبقات الشعراء، به کوشش محمود محمد شاکر، قاهره، ۱۹۵۲م.
- ۸- ابن عباس، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۹- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، الشعر و الشعراء، به کوشش یوسف نجم و احسان عباس، بیروت، ۱۹۶۴م.
- ۱۰- ابن مزاحم، نصر، وقعة صفین، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲ق.
- ۱۱- ابن هشام، السیره النبویه، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.
- ۱۲- ابوتمام، حبیب بن اوس، کتاب الوحشیات، به کوشش عبدالعزیز میمنی راجکوتی و محمود محمد شاکر، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
- ۱۳- ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، بولاق، ۱۲۸۵ق.
- ۱۴- بلاذری، احمد، فتوح البلدان، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۶۶م.
- ۱۵- جبوری، یحیی، شعر المخضرمین و أثر الاسلام فیه، بیروت، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۷م.

- ١٦- حسان بن ثابت، ديوان، به كوشش عبدالرحمن برقوقي، قاهره، ١٣٤٧ق/١٩٢٧م.
- ١٧- خطيب تبريزي، يحيى، شرح القصائد العشر، به كوشش عبدالسلام حوفي، بيروت، ١٤٠٥ق/١٩٨٥م.
- ١٨- خفاجي، محمد عبدالمنعم، الحياة الادبية في عصر صدر الاسلام، بيروت، ١٤٠٤ق/١٩٨٤م.
- ١٩- دراجي، محمد عباس، الاشعاع القرآني في الشعر العربي، بيروت، ١٤٠٧ق/١٩٨٧م.
- ٢٠- شيخو، لويس، المجاني الحديثة، بيروت، ١٩٧٢م.
- ٢١- ضبي، مفضل بن محمد، المفضيات، به كوشش حمد محمد شاكر و عبدالسلام محمد هارون، قاهره، بي تا.
- ٢٢- ضيف، شوقي، تاريخ الادب العربي (العصر الجاهلي)، قاهره، ١٩٧٦م.
- ٢٣- همو، تاريخ الادب العربي (العصر الاسلامي)، قاهره، ١٩٧٦م.
- ٢٤- طبري، محمد، تاريخ الأمم والملوك، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٣٨٧ق/١٩٦٧م.
- ٢٥- طه حسين، من تاريخ الأدب العربي، بيروت، ١٩٨١م.
- ٢٦- فيصل، شكري، تطور الغزل بين الجاهلية والاسلام، دمشق، ٣٧٩ق/١٩٥٩م.
- ٢٧- عباس، احسان، شعر الخوارج، بيروت، ١٩٧٤م.
- ٢٨- قدامة بن جعفر، الخراج و صناعة الكتابة، به كوشش محمد حسين الزبيدي، بغداد، ١٩٨١م.
- ٢٩- قرطبي، محمد، الجامع لاحكام القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.
- ٣٠- كعب بن زهير، ديوان، به كوشش حنا نصر حتى، بيروت، ١٤١٤ق/١٩٩٤م.
- ٣١- گيب، هاميلتون، درآمدی بر ادبيات عرب، ترجمه يعقوب آژند، تهران، ١٣٦٢ش.
- ٣٢- لبيد بن ربيعة، ديوان، بيروت، ١٣٨٦ق/١٩٦٦م.
- ٣٣- نص، احسان، الخطابة العربية في عصرها الذهبي، قاهره، ١٩٦٣م.
- ٣٤- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، به كوشش مارسدن جونز، بيروت، ١٤٠٤ق/١٩٨٤م؛ و نیز:

35- Blachere.R, *Historie de la litterature Arabe*, Paris 1964.

36- Hurt.CL, *Histories Des Litteratures Litterature Arabe*, Paris 1923.

37- Nicholson, A.R, *A Literary History of the Arabs*, Cambridge 1953.

38- *The Cambridge History of Arabic Literature Arabic Literature to the End of the Umayyad Period*, Cambridge 1983.

39- *Encyclopedia of Arabic Literature*, New York 1998.

40- Wiet. G, *Introduction A La litterature Arabe*, Paris 1966.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی